

بازخوانی حیاط خانه ایرانی بر اساس نظریه بوم شناسی فرهنگی

محمد رضا عطایی همدانی - دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
وحید شالی امینی* - استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
مهدی حمزه نژاد - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
ویدا نوروز برازجانی - استادیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

پراکندگی پژوهش‌های معاصر معماری که با ورود شرق‌شناسان به سرزمین‌های کهن آسیایی از جمله ایران آغاز شده است. در مطالعات محققین بومی نیز به چشم می‌خورد. می‌توان این پراکنده گویی‌ها را محصول اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی علم مدرن دانست. در نظریات پسا اثبات‌گرایی سعی شده است از نگاهی کل نگر به ارتباط بین علوم دقت شود و بوم شناسی فرهنگی از چنین دیدگاهی نظرات پراکنده محققین بویژه بوم شناسان و فرهنگ شناسان را به هم مرتبط ساخته است. روش تحلیل داده‌ها کیفی با تحلیل محتوا است و روش گردآوری داده‌ها اسنادی می باشد. ارتباط الگوی سکونت و به تبع آن معماری با بوم و انسان قابلیت ورود بوم شناسی فرهنگی در تحقیقات معماری را نشان می‌دهد که بویژه در پژوهش‌های معماری پایدار موضوعیت و ضرورت دارد. پژوهش حاضر ضمن معرفی بوم شناسی فرهنگی عوامل محیطی و فرهنگی همبسته را بعنوان مدلی برای بازخوانی الگوی سکونت و محصولات کالبدی آن که در اینجا حیاط خانه ایرانی است بکار می‌برد و در پاسخ به عوامل و علل مؤثر در شکل‌گیری و تثبیت و توسعه الگوی حیاط خانه ایرانی، تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی را معرفی می‌کند و آنها را همبسته با عوامل محیطی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی می‌داند. **واژگان کلیدی:** بوم شناسی فرهنگی، حیاط، الگوی سکونت، محیط، معیشت.

Review of the Iranian house on the basis of cultural ecologic theory

Abstract

The study of contemporary architectural research begins with the arrival of the East Asian land, including Iran. In studies, indigenous researchers are also seen. It can be considered as a product of modern science. In post - theories, it has been attempted to look at the relationship between the sciences and the cultural ecology of such a view of the researchers, especially ecologists and sociologists. Data analysis method is qualitative analysis and data collection method is documented. The communication pattern and consequently the architecture with the canvas and the human being demonstrate the ability to enter the culture of culture in architectural research, particularly in sustainable architectural research. The present study, introducing cultural ecology of environmental and cultural factors, serves as a model for the residence model and its body products, which are the Iranian home yard, and introduces them to the environmental factors such as the topology, climate, and geography of the Iranian house.

Keywords: Cultural ecology, Settlement, Environment, livelihood.

مقدمه

در پی ناکافی دانستن پارادایم‌های علمی اثبات‌گرا در ایجاد تصویر روشنی از جهان هستی و پدیده‌های آن در پارادایم‌های پسااثبات‌گرایی و انتقادگرایی بوجود آمده پس از آن، برای ایجاد تصویری همگن و روشن برکل-نگری تاکید شده و گرایش‌های بین رشته‌ای برای کشف ارتباط علوم باهم ایجاد گشت. از این گرایش‌های بین رشته‌ای می‌توان به «بوم‌شناسی فرهنگی» اشاره کرد که پدیده‌های محیطی را در ارتباط با پدیده‌های فرهنگی می‌داند. این گرایش ریشه در «بوم‌شناسی زیستی و تجربی» دارد و به نوبه خود در ظهور جنبشهای زیست محیطی اواخر قرن بیستم نقش داشته است. از سویی دیگر، «بناهای حیاط‌دار» در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند. بناهای مختلف و خانه به‌طور اخص تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده اند و در هر کدام از دوره‌های تاریخی حیاط یک یا چند کاربرد از آنچه یاد شد را داشته است. ابتدایی‌ترین روش محصور کردن یک سر پناه در داخل یک حصار را می‌توان در حصارهای سنگی دالمن‌هایی در آذربایجان مشاهده کرد. این حصارها هرچند که ارتفاع زیادی ندارند ولی نشانه‌ای از تفکر در مشخص کردن حدود مالکیت از طرف سازنده آن می‌باشد (معماریان، ۱۳۷۵، ص ۱۶). همچنین، روش‌های بوم‌شناسی فرهنگی در ابتدای شکل‌گیری در دهه ۶۰ میلادی کمتر در رشته‌های معماری و شهرسازی ورود پیدا کرد و بیشتر به بررسی نوع سکونت و معیشت جوامع روستایی و کوچ‌نشین در علم مردم‌شناسی متداول شد اما پیشرفت‌های مبانی نظری و مدل‌های آن توانست در پژوهش‌های معماری و شهرسازی بکارگرفته شود. هم چنین ارتباط روانشناسی بوم‌شناختی و بوم‌شناسی فرهنگی می‌تواند در پژوهش‌های طراحی محیطی افق‌های جدیدی بگشاید و درک بهتری از فضایی برای انسان وابسته به بستر محیطی و نه انسان در تعریف عمومی ایجاد کند. بر اساس منطق محیطی، عرصه‌های شهری بخش‌هایی جداناپذیر از عرصه‌ی طبیعت فرادست محسوب می‌گردند. بدین ترتیب نزدیکی به شرایط طبیعی مهم‌ترین اصل در چنین نگرشی محسوب

می‌شود. به عبارتی دیگر نظام‌های بوم‌شناختی دارای گستره‌ای از ارتباطات و تأثیرات متقابل بوده (ماتلاک، ۱۳۷۹) و از این جهت قائل شدن به مرز میان آن‌ها ممکن نمی‌باشد. به همین ترتیب نظام بوم‌شناسی شهری، بخشی متعامل و مرتبط با نظام بوم‌شناختی کلان و فرادست محسوب می‌گردد که به واسطه حضور انسان دچار دگرگونی و تغییراتی شده است. در این مقیاس، فضاهای سبز شهری عمده‌ترین عرصه فعالیت معماران منظر محسوب می‌شوند. با توجه به نقش عمده‌ی فضاهای باز شهری در نظام اکولوژیک شهر، دانش بوم‌شناسی منظر شهری به طور ویژه به این فضاها از جنبه‌ی ساختار و کارکرد بوم‌شناسانه‌ی آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس و با توجه به ارتباطی که دانش بوم‌شناسی منظر میان ساختار فضایی و کارکردهای نظام اکولوژیک قائل است، در نگرشی دینامیک و فرآیندگرا نسبت به فضاهای باز شهری به کمیت و اعداد و ارقام سرانه‌ی این فضاها اکتفا ننموده و به کیفیت، ترکیب، توزیع وسعت و ارتباطات ساختاری می‌پردازد (یاوری، ۱۳۸۵). در ایران پژوهش‌های بین رشته‌ای، بین فرهنگ و معماری بیشتر گرایش‌های انسان‌شناسی فرهنگی رامبنا قرار داده اند و کمتر اشاره‌ای به نقش زیست‌بوم در فرهنگ شده است. از مهمترین آثار در این زمینه میتوان به پژوهش محمدرضا حائری در مورد خانه‌های ایرانی با نام «خانه، طبیعت، فرهنگ» (حائری، ۱۳۸۸) اشاره کرد که تأثیر بسزایی در پژوهش‌ها متأخر در این رابطه داشته است. می‌توان پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با معماری ایرانی را بجز تحقیق یادشده در چهار گروه دیگر دسته‌بندی نمود: ۱- بررسی سیرتاریخی معماری خانه (ابولقاسمی، پیرنیا و غیره)؛ ۲- بررسی تطبیقی خانه ایرانی با خانه دیگرملل (عینی فر، معصومی و غیره)؛ ۳- بررسی اقلیمی خانه‌های ایرانی (قبادیان)؛ و ۴- بررسی مبانی جهان بینی معماری ایرانی (نقره کار، نوایی، نقی زاده و غیره). پژوهش حاضر از ادبیات، ابزارها و شیوه بررسی بوم‌شناسی فرهنگی در بازخوانی حیاط خانه ایرانی، استفاده شده و در فرایند توسعه حیاط خانه ایرانی عوامل تکنولوژیکی، معیشتی و جهان بینی را به طور همزمان موثر در نظر گرفته شده است.

روش تحقیق

دیدگاه نظری پژوهش حاضر اثبات گرایی و عملگرایی است که با نگاهی کل نگر به پدیده های انسانی و محیطی می نگرد. روش جمع آوری داده ها اسنادی و روش تحلیل آن ها کیفی و از نوع تحلیل محتواست. ابزار اندازه گیری به سبب کیفی بودن داده ها، واژه ها و عبارات و مشاهدات بصری است و بستر مورد پژوهش نیز خانه سنتی دارای حیاط مرکزی واقع در فلات مرکزی و حاشیه کویر ایران است.

مبانی نظری اکولوژی

برای پی بردن به مجموعه از روابط متقابل گیاهان و جانوران و محیط پیرامون آنها، علمی به نام «اکولوژی»^۱ به وجود آمده است. به کارگیری روزافزون این لغت در محاورات روزانه موجب گردیده است که نظیر بسیاری از موارد مشابه، این لغت مفهوم گسترده تری را به خود اختصاص دهد و یا حتی از مفهوم اصلی و واقعی اولیه خود نیز دور شود؛ بنابراین قبل از هر چیز ضروری است که بدانیم اکولوژی چیست؟ واژه اکولوژی از دو کلمه یونانی:

۱. «اویکوس»^۲ (به معنی مسکن، خانه، بستر زیست یا محل زندگی) و
۲. «لوگوس»^۳ (به معنی شناخت، علم یا دانش) تشکیل شده و معنای تحت الفظی آن عبارت است از بررسی یا مطالعه موجودات زنده در بستر زیستشان. این واژه برای اولین بار توسط یک زیست شناس آلمانی به نام «ارنست هکل»^۴ در سال ۱۸۶۹ میلادی به کار برده شد و معادل های آن در فارسی عبارتند از بوم شناسی، محیط شناسی و یاکدشناسی. اکولوژی در واقع شاخه ای از علم زیست شناسی است. در علم زیست شناسی مطالعه برخی خصوصیات موجودات زنده در طول حیاتشان از جمله

مطالعه خصوصیات ظاهری^۵، تشریح اعضا موجودات زنده^۶، بررسی وظائف اعضا مختلف^۷ و رده بندی موجودات^۸ زنده بیشتر مدنظر است. در برخی مطالعات زیستی نظیر بررسی خصوصیات فیزیولوژیکی موجودات زنده، تاثیر عوامل محیطی را در شرایط آزمایشگاهی و به صورت مصنوعی بر روی موجود زنده مورد بررسی قرار می دهند، در صورتی که ویژگی دانش اکولوژی بررسی تاثیر عوامل محیطی در شرایط طبیعی بر روی موجودات زنده می باشد زیرا در طبیعت عوام بسیار زیادی با یکدیگر مرتبط بوده و تغییر در یکی می تواند موجب بروز نوساناتی در دیگری گردد؛ به همین دلیل دشواری مطالعات اکولوژیکی، پیچیدگی شرایط مطالعه می باشد.

البته این موارد ارتباط تنگاتنگی با معماری بومی و مفاهیم مرتبط با آن دارد؛ چنانچه از آنجا که بوم گرایی، شناسنامه معتبری از مردم یک سرزمین به شمار می رود، نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان است، در شکل گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی در محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می یابد، به نحوی که همزمان، سادگی و آرایش در آنها متجلی است. ریشه های تاریخی توجه به معماری بومی را می توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه به وسیله اروپائیان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست. در نیمه دوم قرن ۱۸ مطالعاتی علمی و خاص تری در مورد نحوه زندگی، فرهنگ و هنر و معماری جوامع استعمار شده صورت گرفت. لیکن این تحقیقات و بررسی ها بلافاصله اثر خود را بر روی حرفه معماری و آموزش معماران ظاهر نکرد و این امر تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ اثر بارز و خیلی آشکاری از خود بروز نداد. در سال ۱۹۶۴، «برنارد ردوفسکی»^۹

5. Morphology
6. Anatomy
7. Physiology
8. Systematic
9. Bernard Rudofsky

1. Ecology
2. Oikos
3. Logos
4. Ernest Haekel

نمایشگاهی را با عنوان «معماری بدون معمار» به همراه کتابی با همین نام فراهم کرد. به عقیده برخی، این واقعه همچون نقطه عطفی در شروع توجه جدی غرب به معماری بومی واقع گردید و سرآغاز تحقیقات بسیاری در این زمینه شد. «ووده‌هاوس»^{۱۰} در مقدمه کتاب خود توصیف نسبتاً دقیقی از جستجوها و مطالعات صورت گرفته در پیرامون موضوع معماری بومی را قبل و بعد از سال ۱۹۶۰ ذکر کرده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). موضوع معماری بومی برای نخستین بار تحت نام‌های گوناگون، در کشورهای اروپای جنوبی- مرکزی و حدود چهل سال پیش روی کاغذ آمد. معماران و پژوهشگرانی که از آن سالها تاکنون به این موضوع پرداخته اند، زمینه هایی را برای اندیشیدن و توجه دادن به موجودیت و ماهیت این رده از محصولات فضای ساخته شده به دست داده اند (فلامکی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)؛ «اولین باری که نامی بر این پدیده معماری نهاده شد، معماری خود جوش به ابداع جوزپه پائانو بود.» (آلپاگونوولو، ۱۳۸۴، ص ۲۵)

انواع مطالعات بوم شناختی

اکولوژی بخش وسیعی از دانش زیست‌شناسی است. تقسیمات فرعی در این علم نظیر آنچه که در سایر علوم متداول است، ممکن است از دیدگاه‌های مختلفی صورت پذیرد. بدواً مطالعات انجام شده بر حسب نوع موجود زنده به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. اکولوژی گیاهی:^{۱۱} علم شناخت رابطه گیاهان با محیط زیستشان؛
 ۲. اکولوژی جانوری:^{۱۲} علم شناخت رابطه جانوران با محیط زیستشان؛
 ۳. اکولوژی انسانی:^{۱۳} علم شناخت رابطه انسان با محیط زیستش؛
- از طرف دیگر هریک از موارد مذکور بر حسب تعداد موجود زنده مورد بررسی به دو گروه فرعی دیگر تقسیم می‌شوند:

الف- اکولوژی انفرادی^{۱۴}؛ در این مطالعه، رابطه یک گونه تنها با محیط اطرافش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش از اثرات متقابل گونه مورد مطالعه و گونه های دیگر صرف نظر می‌گردد و عمدتاً حد بردباری موجود زنده در برابر عوامل اکولوژیکی و تاثیر محیط بر شکل ظاهری و خصوصیات فیزیولوژیکی و رفتاری موجود زنده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مثلاً تعیین نیازهای یک گونه ما را قادر می‌سازد که حدوداً بتوانیم محل استقرار، پراکنش جغرافیایی، میزان انبوهی و فعالیت آن در محیط‌های مختلف تعیین نمائیم (مطالعه اکولوژی موجودات زنده به حالت منفرد).

ب- اکولوژی جمعی^{۱۵}؛ در این نوع مطالعه، رابطه بین افراد متعلق به گونه‌های مختلفی که در بطن یک گروه (با یک‌گونه) به سر می‌برند با محیط در بر گیرنده شان مورد بررسی قرار می‌گیرد (مطالعه اکولوژی موجودات زنده در جمع سایر موجودات). در اکولوژی جمعی، هدف شناخت بهتری از ساختمان و طرز کار اکوسیستم-هاست. اما بین متخصصان فرانسوی و آمریکایی از نظر تعریف اکولوژی انفرادی تا حدی اختلاف نظر وجود دارد. بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی یک مطالعه هنگامی به صورت انفرادی است که یک موجود زنده به تنهایی در ارتباط با محیط مطالعه می‌شود و هیچگونه رابطه‌ای با موجودات زنده دیگر در محیط ندارد. مثلاً گیاهان در مناطق نزدیک قطب یا در بیابانها در فواصل بسیار دور از یکدیگر رشد می‌کنند و عملاً هیچگونه ارتباط زیستی اعم از این که به گونه واحد یا گونه های متعدد متعلق باشد مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه اکولوژی چنین موجودی از نظر تعریف متخصصین فرانسوی جزء مباحث اکولوژی جمعی است. متخصصین آمریکایی به همین تقسیم‌بندی با جزئی اختلاف معتقد هستند. «اودوم»^{۱۶} (۱۹۷۳) از نظریه پردازان آمریکایی معتقد است که اگر موجود زنده به حالت منفرد یا عده ای از افراد متعلق به این گونه

14. Autecology

15. Synecology

16. E.P. Odum

10. Wodehouse

11. Plant Ecology

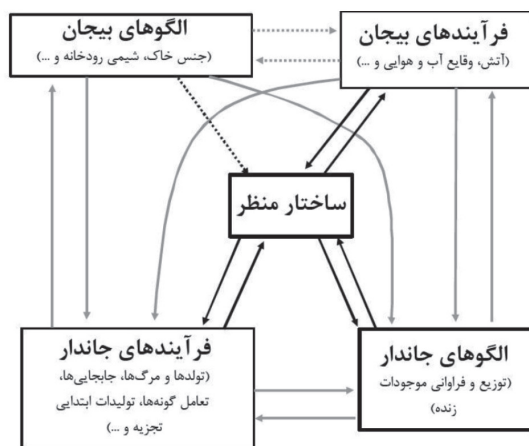
12. Animal Ecology

13. Human Ecology

داده می شود و به گذشته و آینده توجهی نمی شود.

۲. دوم، دیدگاه پویا^{۱۸} یا اکولوژی کاربردی که خود دارای دو وجه متمایز از یکدیگر است. یک وجه اکولوژی جمعی کاربردی، عبارت است از بررسی و تشریح نحوه تحول گروه‌های مختلف موجودات زنده و بررسی این امر که تحت تاثیر چه عواملی این گروه ها در یک محل جایگزین یکدیگر می گردند. وجه دیگر آن عبارت است از مطالعه چگونگی انتقال ماده و انرژی در میان اجزاء گوناگون تشکیل دهنده یک اکوسیستم، که در واقع مبنای اکولوژی کمیته را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه بوم شناسی منظر شهری، فضاهای باز و سبز شهری عرصه‌هایی بی بدیل برای نزدیک تر شدن به الگوی طبیعی محسوب می شوند. در حقیقت این فضاها واجد قابلیت‌هایی عمده در حفظ و تداوم عملکردهای بوم شناسانه محیط می‌باشند. در این راستا و با توجه به اصل ارتباط ساختار- عملکرد، در نظر گرفتن ساختار و به- عبارتی نحوه توزیع، ترکیب، وسعت و ارتباطات در این فضاها، حائز اهمیت بسیار در چگونگی عملکردهای اکولوژیک شهر می‌باشد.



نمودار ۱. رابطه بین ساختار منظر و ساختارهای بوم‌شناختی محیط؛ ماخذ: Forman, 2008

در رابطه با محیط بررسی شوند، این مطالعه یک مطالعه اکولوژی انفرادی است ولی اگر موجود یا موجودات زنده از یک گونه در جمع سایر موجودات زنده مورد بررسی قرار گیرند، مطالعه از نوع اکولوژی جمعی است مثلاً مطالعه یک درخت بلوط به حالت منفرد یا تعدادی از درختان بلوط متعلق به یک گونه مشخص در یک منطقه نوعی بررسی اکولوژی انفرادی است، اما مطالعه درخت یا درختان بلوط در یک جنگل و در جمع سایر گونه‌ها نوعی مطالعه اکولوژی جمعی است. بنابراین ملاحظه می شود که این دو نوع تعریف فقط جزئی اختلاف در مطالعات انفرادی دارند یعنی بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی مطالعه یک درخت بلوط در جمع درختان بلوط متعلق به همان گونه یک مطالعه اکولوژی جمعی است اما از دید تعریف متخصصین امریکایی یک مطالعه اکولوژی انفرادی است. از سویی، شناخت معماری بومی می تواند به منزله شناخت جامعه باشد. جامعه ای که همچنان از آغاز شکل گیری، برای بقا، با طبیعت در تنازع است. شهر کویری در نبردی سخت و مداوم با خورشید، به هنگام تابستان وجودش را در سایه گذرایی سرپوشیده و باریک از گرما محفوظ می‌دارد (دادخواه، ۱۳۸۴، ص ۹۹). وضعیت فرهنگ بومی ساکنان هر سرزمین را می‌توان نتیجه این تقابل و انتخاب روش مردم بومی، در همزیستی با امکانات طبیعی دانست که بر حسب پیشرفت های تجربی- علمی ساکنان آن، امروزه شاهد انواع فرهنگ های بومی در نقاط مختلف جهان می باشیم (مهریار، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

مطالعات اکولوژی جمعی خود می‌توانند با دو دیدگاه متفاوت صورت گیرند:

۱. اول، دیدگاه ساکن (پایا)^{۱۷}، یا اکولوژی جمعی تشریحی که عبارت است از تشریح گروه های مختلف موجودات زنده که در یک نقطه معین با یکدیگر به سر می برند. در این قبیل مطالعات اطلاعات دقیقی در مورد ترکیب خاص گروه‌ها، انبوهی آن‌ها و تواتر آن‌ها جمع‌آوری می گردد. در این بخش به خصوصیات زمان حال اهمیت



نمودار ۲. بررسی ابعاد پایداری در محیط و زیست بوم؛ ماخذ: Forman, ۲۰۰۸

جنبه های اقتصادی	جنبه های محیطی	جنبه های فرهنگی- اجتماعی
پرهیز از بیهودگی (قناعت): که منجر به صرفه جویی در مصرف منابع و در نتیجه کاهش هزینه ها خواهد شد. انعطاف پذیری بنا که باعث افزایش عمر آن می گردد و در نتیجه نیاز به ایجاد فضاهای جدید و تخریب فضاهای بی استفاده را کاهش می دهد. نیارش: ایجاد ساختمانهایی مستحکم که هزینه های تعمیرات و نگهداری را کاهش می دهد.	توجه به ویژگی های طبیعت که منجر به ایجاد حس احترام به طبیعت و قناعت و معنادار شدن محیط ساخته شده می شود توجه به ویژگی های مادی طبیعت و طراحی اقلیمی و سازگاری با محیط پیرامون خود بسندگی استفاده از مصالح بوم آورد: استفاده از مصالح بی خطر، سالم و بومی، تکنولوژی موجود، جوابگویی و شدنی بودن عملکردها که پیامدهای مرتب شده در فعالیتهای ساختمانی امروزه انرژی متمرکز شده در فعالیتهای ساختمانی امروزه هستند. انرژی متمرکز شده در پیامدهایی چون مفاهیم ماندگاری، نگهداشت پذیری، تعمیر پذیری و سادگی، مورد توجه قرار گرفته اند.	مردم واری: معماری بومی نسبت به فرهنگ اعضای اجتماع، حساس، رفتار می کند؛ از جمله، درون گرایی که در نظر گرفتن نیازهای استفاده کننده، از نظر نیاز او به حریم خصوصی و امنیت سازگاری: سازگاری با ساکنان ساختمان به دلیل قابلیت انعطاف پذیری معنادار نمودن طبیعت در معماری که موجب ایجاد فرهنگ مصرف صحیح و قناعت می شود. پس نگر (تغییر عادات بد): پرهیز کردن از چیزهای غیر ضروری است که کارایی را پایین می آورد. توانایی و آمادگی ما برای تغییر ذهنمان، ممکن است بتواند مشکلاتی را حل کند، حتی بیش از یافتن یک راه حل قطعی برای یک مشکل.

نمودار ۳. جنبه های پایداری در زیست بوم شهری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۴۳۶

را به عنوان یک موجود حائز فرهنگ مورد مطالعه قرار می دهد. او بیش از هر چیز به گردآوری داده هایی که به توضیح فرهنگ های متفاوت بشر و نیز به شیوه هایی که این فرهنگ ها موجودیت یافته و یا رشد کرده اند، می پردازد. داده های وی شامل مجموعه پیچیده ای از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم اعضای آن جامعه است که مجموعاً فرهنگ آن جامعه را می سازد (هاویلند،

انسان شناسی فرهنگی و بوم شناسی فرهنگی رشته انسان شناسی را می توان به دو حوزه بنیادی تفکیک کرد: «انسان شناسی زیستی و انسان شناسی فرهنگی». انسان شناسی زیستی بیش از هر چیز انسان را به عنوان یک اندام واره زیستی مورد مطالعه قرار می دهد. انسان شناس زیستی از دانش ژن شناسی و شیمی زیستی برای شناخت کاملتری از تفاوت های انسانی و تکامل او سود می جوید. انسان شناس فرهنگی انسان

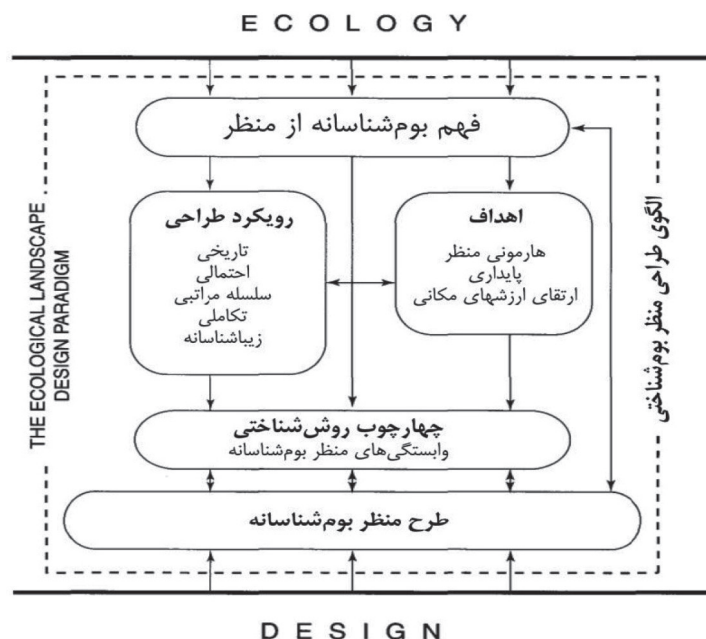
در فرایند انطباق پذیری با پشتوانه تاریخی در مکان های خاص توسعه می یابد، بر اساس این نظر سه نکته اساسی قابل ذکر است:

۱. فرهنگ ها در محیط های مشابه ممکن است به طور مشابه سازگار شوند.
۲. تمام سازگاری ها تا زمانی که تغییرات محیطی رخ نداده است تداوم دارند.
۳. تغییرات انطباق پذیری ممکن است موجب تغییر و یا دگرگونی کامل یک فرهنگ شود. این تغییرات به عنوان تکامل چند خطی در تقابل با تئوری های تک خطی قرن ۱۹ و پیش از آن ارائه شده است (Zarin, 2010, p.41).

«استیوارد» پیش از تبیین بوم شناسی فرهنگی، فهم فرایند یا علل تحول فرهنگ را مورد مطالعه قرار داده است. وی بر عامل بوم شناسی به عنوان عاملی مهم و نه تنها عامل در تعیین تحولات فرهنگی تاکید دارد. در سیر روند تکاملی بوم شناسی فرهنگی می توان تمرکز این مطالعات را بیشتر بر فرهنگ های خاص و گاه وجوه خاصی از فرهنگ در محیط های خاص دانست (مارکت، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲). در این شاخه دانشی برخی واژه ها کاربرد تخصصی دارند که بایستی تعریف شوند:

۱. «بوم شناسی»: مطالعه زیستگاه و شیوه های زندگی و تعامل بین همه موجودات زنده در یک محیط مشخص است.
۲. «اکوسیستم»: ارگانیسم های زنده و محیط های آنها به همراه هم یک اکوسیستم یا نظام سازوکار شکل یافته ای از مبادلات و جریانات انرژی را شکل می دهند.

۱۳۸۲، ص ۲۳). داده هایی که از طرق مختلف به ویژه طریق نمادها قابل انتقال است. تا زمانی که نمادها پایدار و قابل شناخت باشد آن فرهنگ نیز پایدار و قابل شناخت خواهد بود. با پیگیری تطبیق و تکامل فرهنگ و به طبع آن نمادهای آن در یک محیط خاص می توان به ارتباط برخی رویدادهای زمانی و مکانی دیگر با پدیده های فرهنگی رایج در یک جامعه پی برد. «بوم شناسی فرهنگی» نظریه ای است که در یک محیط خاص به بررسی ارتباط و ویژگی های محیطی با فرهنگ یک جامعه می پردازد (عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۶۲)؛ بدین ترتیب بوم شناسی فرهنگی به مطالعه نحوه انطباق انسانها با محیط می پردازد و فرایندی که جوامع را قادر به بقا می سازد، پیگیری می کند. در این فرایند محصولاتی تولید شده و یا محیط تغییر می کند و در مقابل چنین فرایندی ممکن است تغییراتی در زبان، نمادها و غیره به طور هم زمان و یا در ادوار مختلف به وجود بیاورد. بوم شناسی فرهنگی بر این باور است که محیط طبیعی در مقیاس خرد یا قدری که معیشت جوامع بر پایه آن است مهمترین نقش را در سازماندهی اجتماعی و دیگر نهادهای انسانی دارد. بوم شناسی فرهنگی در سال ۱۹۵۵ توسط «جولیان استیوارد» به وجود آمد و وی از آن به عنوان روشی برای شناخت چگونگی سازگاری انسانها در تنوع گسترده ایی از محیط استفاده کرد. به نظر وی با روش هایی فرهنگ برای سازگاری با محیط مجبور به تغییر می شود و این تغییرات در بوم شناسی فرهنگی شناخته می شود (Joralemon, 2010). نکته مهم اینکه هر تغییر خاص در سازگاری انسان در قسمتی از میراث تاریخی و در تکنولوژی ها، اعمال و دانشی که به مردم اجازه زندگی در یک محیط را می دهد، رخ می نماید. امروزه مفهوم بوم شناسی فرهنگی یک نظریه عمومی و به عنوان یک پارادایم در علوم انسانی و طبیعت شناخته می شود و این موضوع پیونددهنده اطلاعات بسیاری در یافته های رشته های گوناگون نظیر علوم انسانی و علوم تجربی است (Joralemon, 2010). طبق نظریه استیوارد شاخص هایی از فرهنگ



نمودار ۴. فرآیند طراحی بوم‌شناسانه منظر؛ مأخذ: Steiner, 2000

شاخصه های بوم‌شناسی فرهنگی

عموم مباحث بوم‌شناسی فرهنگی، محیط را دارای ویژگی‌هایی معرفی می‌کنند که به طور احتمالی می‌تواند بر خصایص یک جامعه تاثیرگذار باشند. پژوهشگران این رشته مدعی‌اند چهار قلمروی اصلی در جامعه وجود دارد که به طور خاصی از محیط تاثیر می‌پذیرند: الف) تقسیم کار؛ ب) اندازه و ثبات جمعیت؛ ج) توزیع گروه‌ها در فضا؛ و د) قوانین اقامتی.

قلمروی چهارم (قوانین اقامتی) به طور مستقیم شیوه خانه‌سازی و الگوی سکونتی را تعیین می‌کنند، گرچه نمی‌توان قلمروهای دیگر را بی‌تاثیر دانست. در این قلمرو مفاهیم کلیدی وجود دارد که برای درک بیشتر الگوی سکونت مفید می‌باشد:

۱. «سازگاری»: فرایند طولانی مدت فرهنگی به منظور حفظ تعادل بین طبیعت و منابع طبیعی در یک محیط مشخص را گویند. این فرایند دوسویه است. گاه ممکن است یک گروه اجتماعی استراتژی‌ها و ابزارهای خود را به منظور سازگاری با یک محیط خاص و

یا استفاده بهتر از آن تغییر دهند. گاه ممکن است از عناصر جدیدی از آن محیط بهره ببرند و یا آن محیط را به طور کامل دگرگون سازند. ارتقاء موقعیت رفاهی و زیستی انسان در محیط با فرایند سازگاری انجام می‌شود و منجر به تغییرات در محیط و فرهنگ می‌گردد؛ البته این به معنای تبعیت مطلق فرهنگ از محیط نیست (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۸).

۲. «علیت دوطرفه»: رابطه میان فرهنگ و محیط به عنوان یک اصل موضوعی در بوم‌شناسی فرهنگی است از نظر بوم‌شناسان فرهنگی محیط و فرهنگ حوزه‌های مستقلى نسبت به هم نیستند و رابطه بین آنها دیالکتیکی است و در اینجا واژه علیت دوطرفه را برای نشان دادن تعامل بین آن‌ها به کار می‌برند. یعنی محیط به فرهنگ واکنش نشان می‌دهد و برعکس لذا این تعامل دوسویه است نه تقابلی و خطی. این رابطه بین دو متغیر فوق را نمی‌توان ثابت در نظر گرفت بلکه بسته به موضوع سهم هریک از آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد (Hardesty, 1977)

متعددی در آن ها دخیل هستند. زمانی مکان ها نام گذاری می شوند که آنها بیشتر در چشم باشند و احساس شوند و نام گذاری مکان منجر به ساخت آن می شود. احساسات، شناخت و رفتار های ارجاعی با محیط، عامل ایجاد تعلق به آن است و در این تعریف نمی توان عملکردهای نمادین را فراموش نمود (Zarin, 2010, p. 41).

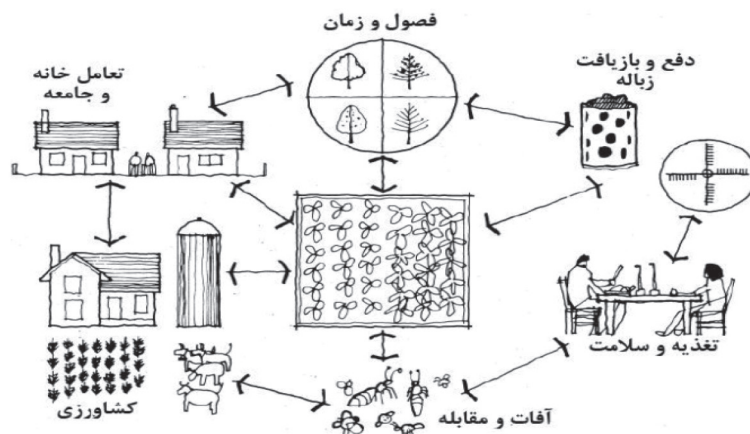
۶. چشم انداز فعالیت: این مفهوم از تحقیقات اینگلد گرفته شده است (Ingold, 1995). وی در تکمیل مفهوم چشم انداز (Land scape) از چشم انداز فعالیت استفاده نموده و منظور وی فعالیت های ترکیبی سکونت به عنوان Task یا وظیفه تعریف می شود که در فعالیت های اجتماعی و تکنیکی به صورت نهفته وجود دارد. چشم انداز فعالیت به آداب نمادین یا کارکردی دسته جمعی در چشم انداز مربوط می باشد. در نظر اینگلد چشم انداز فعالیت همان چشم انداز است اما به صورت پنهان. چشم انداز فعالیت نشان دهنده برشی از سکونت است به ویژه فعالیت هایی که سکونت مردم در مکان را ممکن می کند. چشم انداز فعالیت موجب تعلق به مکان می شود. اعمال ظاهری (تکنیکی) فرد از فعالیت های اجتماعی وی ناشی می شود (Zarin, 2010, p. 82).

پایداری بوم شناختی را می توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چند مقیاسی - فرامقیاسی نسبت به محیط زیست و مدیریت فعالیت های انسانی در چارچوب چنین چشم اندازی از محیط می باشد. بر مبنای تعریف، هر فعالیت توسعه انسانی (نظیر ساخت محیط انسان ساخت) در حیطه یک یا چند بوم سامانه اصلی اتفاق می افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم، سامانه همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیط فراتر می باشد.

۳. «هسته فرهنگ»: هسته فرهنگ عاملی فرهنگی است که بلافاصله با دنیای فیزیکی و محیط ارتباط می یابد و به نوعی یک ماده یا استراتژی خلاقانه در درون یک فرهنگ است. هسته فرهنگ یا الگوی تداوم حیات در طول زمان، در واکنش به بخش های مربوط به یک محیط خاص و موثری که از آن استفاده می شود (خاک، آب، هوا و غیره) متحول شده است. علاوه بر این هسته فرهنگ به عنوان یک ویژگی فرهنگ به نوبه خود ممکن است سایر ویژگی های فرهنگی (سازمان اجتماعی) را شکل دهد. از اینرو ایده هسته فرهنگ نوعی نقش تعاملی را در شکل دهی به تحولات فرهنگی، به محیط و فرهنگ محول می کند. از نگاه بوم شناسی فرهنگی همه مقولات محیطی و فرهنگی به هم مربوطند اما هسته فرهنگ بخش هایی از فرهنگ است که ارتباط نزدیکتری با محیط دارد و در تعریف دیگر، منظور از هسته فرهنگ، مجموعه ویژگی ها و مکانیزمها و استراتژی هایی است که در هر فرهنگی در امر تامین معیشت وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸).

۴. «زمان مندی»: کارکردهای ارجاعی نمادها در محیط دارای مولفه هایی زمان مند است و مرجعی برای تشخیص گذشته، حال و آینده می باشد. به نظر برخی بوم شناسان فرهنگی جوامع بومی حامل گذشته-شان هستند و همواره به تاثیر از آن فعالیت می کنند. هر فرد در جامعه سنتی تصور منسجم و یکپارچه ای از مکان سکونت دارد که به وسیله مفهوم گذر زمان به هم پیوسته می شود (Zarin, 2010, p. 75).

۵. «تعلق مکانی»: زمانی سکونت برای یک اجتماع معنی پیدا می کند که در یک فضای مادی شروع به ساختن نماید و نحوه معیشت خود را نیز در آن مکان و به وسیله تکنولوژی های درخور و پاسخگو تامین نماید. در موضوع سکونت در یک مکان ارتباطات پیچیده ای بین افراد و مکان سکونتشان به وجود می آید که متغیرهای



تصویر ۱. پایداری بوم‌شناسانه در شهر؛ ماخذ: Hough, ۲۰۰۴.

تغییر نگرش طراحان و برنامه‌ریزان، متأثر از دیدگاه‌های بوم‌شناسی نسبت به شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهرها شده است. به این واسطه ایجاد هماهنگی میان انسان و طبیعت برای ساخت شهرهایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی توان احیا و خودساماندهی داشته باشند، ضروری است (Steiner, 2004).

جدول ۱. خلاصه دستورالعمل فلورانس در نگهداشت بوم‌شناختی فرهنگی شهرها؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

دستورالعمل‌ها	رویکرد
ماده ۸: یک "منظر تاریخی"، منظر ویژه‌ای است که به عنوان مثال با یک رویداد یا یادماندنی، یک واقعه تاریخی خاص، یک افسانه معروف یا یک جنگ حماسی یا موضوع تصویری مشهور، پیوسته باشد.	منشور فلورانس
ماده ۹: اگر یک "منظر تاریخی" باید حفاظت شود، نیاز به نگهداری، محافظت و احیاء دارد هنگامی که بازسازی مطابق با واقعیت پیشنهاد شده باشد، "اصلیت منظر تاریخی" نه تنها به طرح و تناسبات بخش‌های آن بلکه به عناصر تزئینی یا انتخاب مصالح طرح که برای هر بخش آن پذیرفته شده، بستگی دارد.	
ماده ۱۰: فعالیت "نگهداری"، "حفاظتی"، "احیاء یا بازسازی" یک منظر تاریخی یا هر بخشی از آن، بایستی کلیه امور به صورت همزمان صورت گیرد.	
ماده ۱۱: از آنجایی که عناصر اصلی مناظر فرهنگی را گیاهان تشکیل می‌دهند، حفاظت از آن در شرایطی بدون تغییر، هم از طریق جایگزینی انفرادی و هم از طریق برنامه بلندمدت نوسازی امکان پذیر خواهد بود.	
ماده ۱۵: هیچ‌گونه فعالیت احیاء و بازسازی در مورد "باغ‌های تاریخی" نباید بدون بررسی و مطالعه کامل صورت گیرد.	
ماده ۱۷: هر جایی که یک باغ به طور کامل از بین رفته است یا اطلاعاتی بیش از شواهد حدسی از منظر آن موجود نیست، جای هیچ‌گونه جستجویی برای بازسازی به شکل طبیعی یک باغ تاریخی نمی‌تواند باشد. بازسازی که از شکل سنتی الهام می‌گیرد و در شرایطی چون سایت باغ قدیمی و یا سایتی که دیگر وجود ندارد طراحی شده است، به نوعی خلق اثر یا خاطره متعلق است و دیگر نمی‌تواند به عنوان باغ تاریخی طبقه بندی شود.	
ماده ۲۰: از آنجایی که باغ‌ها مکان مناسبی برای استقرار بازی‌های بی سرو صدا به عنوان فعالیت روزانه می‌باشند، زمین‌های جداگانه در مجاورت باغ تاریخی باید طراحی شود تا بازی و ورزش های زنده و فعال در آن انجام شود، تا خواسته عموم افراد، بدون تعصبی خاص، به حفاظت باغ یا منظر ارضا شود.	
ماده ۲۴: یک باغ تاریخی، بخشی از میراث می‌باشد که بقاء آن (به دلیل طبیعت آن) نیاز به توجه مداوم در زمینه افراد شایسته دارد. پیش بینی‌های آموزشی مناسب برای تربیت افرادی که ممکن است از تاریخ‌نویسان، معماران، معماران منظر و باغبانها باشند لازم است، مراقبت از سوی گیاه شناسان به منظور اطمینان از تولید منظم گونه‌های گیاهی در هر موقعیتی لازم باشد.	

جدول ۲. خلاصه دستورالعمل بنگاه پارکهای کانادایی در نگهداشت بوم‌شناختی فرهنگی؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

رویکرد	دستورالعمل‌ها
سیاست بنگاه پارکهای کانادایی	- بخش ۳-۱-۴-۲ در انجام فعالیت‌های حفاظتی این بنگاه به طور خاص از اصول احترام به شکل موجود و مصالحی هویت تاریخی یک مکان فرهنگی را تشکیل می‌دهند. آگاه است. فعالیت‌های حفاظتی بدین ترتیب حداقل ممکن تداخل برای دستیابی به اهداف را در برخواهد گرفت.
	- بخش ۳-۴-۴-۲ در مورد سایت‌ها و بناها، اصلاح ممکن است فعالیت‌های احیاء تاریخی را در برگیرد و احیاء به منظور ایمن‌سازی، نگهداری صحیح و قابلیت دسترسی باشد. - احیاء تاریخی به معنای، بهبود دقیق شکل قدیمی تر، ساختمان و اجزاء سایت یا ساختمان بر اساس شواهد ثبت شده و تحقیقات و تجزیه و تحلیل‌ها از طریق انتقال ملحقات اخیر و جایگزینی عناصر از بین رفته یا تخریب شده دوره قبل ترمی باشد.
	- بخش ۳-۵-۲-۸- موقعیت‌های خاص، بازسازی تاریخی با برگشت کل بناها یا مجموعه‌ها ممکن است به عنوان بهترین وسیله ممکن برای درک عمومی از عاملی با ارزش در گذشته پنداشته شود. بازسازی تاریخی قادر به اجرا نخواهد بود، مگر آنکه:
	- بازسازی مکان از بین رفته نیاز به مشارکت دانش‌های فنی، علمی و تاریخی باشد؛ و
	- هزینه بازسازی شامل نگهداری و عملیات مربوط به آن ممکن است در ارتباط با اهمیت تاریخی وامکان‌ات قابل تفسیرکار بازسازی باشد.
	- اگر این نکات برآورده شوند، بازسازی تنها زمانی قابل انجام خواهد بود که:
	- آثار مهمی برای حفاظت نباشند که بازسازی آن‌ها را تهدید کند؛ و
	- اطلاعات پژوهشی کافی برای حمایت از بازسازی صحیح وجود دارد.
	- بخش ۳-۵-۱-۳ با توجه به برنامه و رویدادهای خاص، بنگاه پارک‌های کانادایی امیدوار است که فعالیت‌هایی که با اصول مدیریتی مکان‌های تاریخی سازگار هستند، برای پارک ملی ویژه، سایت تاریخی ملی یا کانال تاریخی مناسب باشند و آیین بنگاه آن‌ها را قبول می‌کند.
	- بخش ۳-۵-۳-۳ رویدادهای خاص در جایی که به طور مستقیم با تقدیر و تحسین عموم از موضوعات تاریخی ارتباط دارند، باعث دلگرمی خواهند شد.
	- بخش ۳-۵-۴-۳ رویدادها و کاربردهای خاص به مکان تاریخی و هویت آن احترام خواهند گذاشت و به ایمنی، مشاهدات و لذات بازدیدکنندگان لطمه نمی‌زنند.



بوم‌شناسی فرهنگی و جهان‌بینی

در بوم‌شناسی فرهنگی فرهنگ عامل انسجام و ترکیب‌کننده اجزای گوناگون هر اکوسیستمی که انسان نیز جزئی از آن است، می‌باشد. مطابق با نظر «استیوارد» صافی فرهنگی دارای یک نقش فعال می‌باشد که تأثیرات محیط را روی فرهنگ روشن می‌سازد. با توجه به مفهوم اکولوژی، نه بیولوژی انسانی و نه فرهنگ او، نه محیط طبیعی و نه محیط زیست انسان، بدون تأثیر و ارتباط بر یکدیگر، نمی‌توانند به طور جداگانه از م وجود داشته باشند (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰). در مورد هستی‌شناسی مرتبط با بوم‌شناسی فرهنگی برخی پژوهشگران همچون «پتر بوردی» (Bourdieu, 1977) از فلسفه پدیدارشناسی کمک می‌گیرند و بوم‌شناسی فرهنگی و دیگر پژوهش‌های پارادایم عملگرایی و یا اثبات‌گرایی را با فلسفه پدیدارشناسی تکمیل می‌کنند. تمرکز پدیدارشناسان بر مفهوم بودن در جهان و ارتباط آن با مکان و معنای سکنی‌گزیدن با مباحث مطرح در بوم‌شناسی فرهنگی قرابت

می‌یابد. در نظر برخی بوم‌شناسان سکنی‌گزیدن تجربه جدای از محیط نیست و از دانش حاصل از تجربیات حیاتی در محیط که نظام ترجیحات آنان را شکل می‌دهد؛ پدید می‌آید (Zarin, 2010, p. ۷۵). اینکه فعالیت‌های انسان‌ها در محیط و استفاده مکرر آن‌ها از برخی اشیاء موجود در محیط (چشم‌انداز فعالیت) نقش این اشیاء را از ابزار صرفاً مکانیکی به اشیاء قابل ارجاع به یک مفهوم یا فعالیت بدل می‌سازد را می‌توان با مفهوم‌های دیگری در مورد گرد هم آوری چیزها در «سکنی‌گزیدن» مقارن دانست (Zarin, 2010, p. 75) بدین ترتیب در رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی با وجود تأکید بر عوامل پیچیده ارتباط انسان و محیط که صرفاً مادی نیست و در عوامل ژنتیکی و ناخودآگاه جمعی ریشه دارد همچنان جهان‌بینی از درون بینش متریالیستی بیرون می‌آید و پافراتر از آن نمی‌گذارد. در جدول ۳ می‌توان گرایش‌های گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی و شاخص‌های روش‌شناختی هر گرایش را مشاهده نمود:

جدول ۳. گرایش‌های گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی؛ ماخذ: مارکت، ۱۳۸۳.

عنوان گرایش	شاخصه‌های نظری	شاخصه‌های روش شناختی	اندیشمندان مهم
رویکردهای تاریخی و مادی	مفاهیم استیواردر در مورد هسته فرهنگ و محیط موثر مادی گرایی فرهنگی تاکید بر فرایندهای تاریخی	تاکید بر امور خانگی به عنوان واحد تحلیل کاربرد مستمر از تحلیل جمعیت شناختی	مک نیتینگ، ویاژو، لی، لوفگرن، ویلک، فریک، بنت
رویکردهای شناختی - اعتقادی	ارتباط با زبان شناسی و گیاه شناسی قومی اشاره به جنبه‌های شناختی و تاویل جمعیت نقش مفاهیم محیطی و باورها علاقه به جامعه شناسی طبیعت	مقوله بندی اصطلاحاتی که برای دنیای طبیعی به کار می رود	کونکلین، راپاپورت، دسکولار، پالسون، کرول، پارکین، میلتن
رویکردهای تعامل گرا	تاکید بر تعامل دوسویه بین گروه‌های انسانی و محیط مسائل مرزی ایده انواع بوم استراتژی‌ها و فرایندهای سازگاری تأثیرات نظریه عملگرا	خانه به عنوان واحد تحلیل تاکید ویژه بر جوامع کشاورزی تحلیل جوامع	بارت، سالین‌ها، وولف، گوتس، اینگلد
رویکردهای کاربردی	تاکید بر مشکل توجه به مکان‌هایی که تلاش محیطی در آن رخ داده است رویکردهای بوم‌شناسی سیاسی به تأثیر از اقتصاد سیاسی	تحلیل فرایندهای تصمیم‌سازی انسان (مثلاً تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از زمین)	ویلک، چینینگ، اسکمینک، وود، شریدن

۳- بوم‌شناسی فرهنگی و الگوی سکونت در ایران

در بوم‌شناسی فرهنگی کنش متقابل محیط و انسان به گونه‌ای منسجم «زیست-جهان» انسان را تشکیل می‌دهد. محیط با ویژگی‌های خود مبانی فکری ساکنانش را می‌سازد و عینیت‌های موجود در محیط در دنیای ذهنی انسان‌ها محمل معانی بسیاری می‌باشد. کنش‌های خلاقانه انسان‌ها در ساخت ابزار و بهره‌گیری از محیط در خود محیط نهفته است. محیط توان‌های بالقوه خود را در عینیت‌های ملموس به انسان می‌نمایاند و این موضوع در واژه «تخنه» (Techne) یونانی که به معنی «بازگشایی» خلاقانه حقیقت و ریشه‌واژه تکنولوژی است قابل توضیح می‌باشد (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

گونه «مسکن حیاطدار» تقریباً از زمانی که انسان در حال ساخت خانه خود بوده است، وجود داشته است

(Bridson 2012, 1). حیاط تقریباً در تمام دوره‌های تاریخ معماری، در هر بخشی از جهان به عنوان یک عنصر سازماندهی در تمام انواع ساختمان، استفاده می‌شود. خانه‌ها، کاخ‌ها، صومعه‌ها، مساجد، مدارس، ساختمان‌های اداری و خصوصی. از پیدایش خانه‌های سنتی تاکنون، توجه به خانه‌های حیاط‌دار به هفت هزار سال قبل از میلاد در «چاتال‌هویوک»^{۱۹} (آناتولی) و ده هزار سال قبل از میلاد در پکن (چین) مربوط می‌شود (Eyüce 2012, 22). گونه‌هایی را که در طول تاریخ معماری پایدار می‌مانند می‌توان به دلیل دارا بودن ارزشی عمومی «گونه کلی» خواند. به هر صورت، این گونه‌های کلی گاه ناپدید شده و از نو پدیدار می‌گردند (نوربری شولتز ۱۳۹۲، ۲۰۰)؛ چنانچه استحصال آب به وسیله سیستم قنات

19. Çatalhöyük

محدودیت های پرشماری برای زندگی ایجاد نموده است با اتکا به تکنولوژی و در شرایط خاصی سکونت را شکل داده اند. بنابر این سکونت در ایران معلول علت هایی است که آن علت ها در کنش متقابل و تعامل دوطرفه با هم هستند و این علتها عبارتند از محیط، جهان بینی و تکنولوژی.

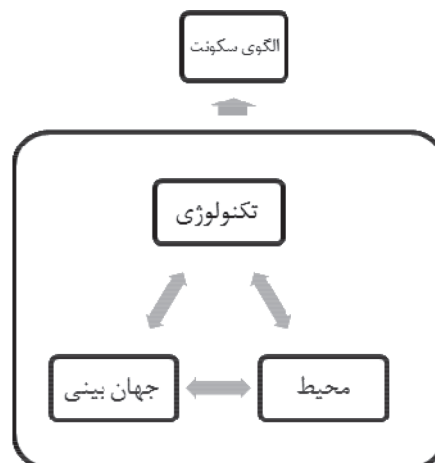
علاوه بر توپولوژی و نوع اقلیم ایران عامل محیطی دیگری که بر الگوی سکونت تاثیر بسزایی دارد مکان جغرافیایی سرزمین ایران است که به عنوان پلی از شرق به غرب بوده و از نظر ذخایر طبیعی نیز اهمیت زیادی در طول دوران داشته است چنین شرایطی همواره برای ساکنان مخاطرات امنیتی را به همراه داشته و لزوم وحدت و اتحاد جوامع را به یکی از ملزومات اجتماعات ساکن بدل ساخته است و در چنین جمع گرایی برگرفته از محیط و در تعامل با فرهنگ ایران همچون آداب صله رحم و دیدار و بازدید نوروز نمایان می شود و هرچند نمونه های پیش از مدرنیته به واسطه وجود خانواده های گسترده که در خانه های سنتی ایران ساکن بودند مثالهای ملموس تری از الگوی سکونت ایرانی را نمایان می سازند. الگوی سکونت ایرانی همچون شریعت اسلامی که علاوه بر ابعاد فردی عبادت و تفکر در کنار ابعاد اجتماعی آن تاکید دارد، سلسله مراتبی از خلوت و حضور در جمع را ایجاد می کند. شگفتی های آسمان دور از دسترس تعبیری خاص هر فرد را ایجاد می کند و شرایط امنیتی لزوم تعلق به یک جمع را حیاتی می سازد. بدین ترتیب چشم انداز فعالیت (Task scape) اجتماع ایرانی دارای دو بعد جمعی و فردی برگرفته از محیط می باشد.

خانواده گسترده بر خلاف خانوارهای پراکنده امروزی شامل سه نسل از اعضای یک خانواده شامل پدربزرگ و مادربزرگ، فرزندان و نوه ها می باشد و بدین ترتیب خانه به عنوان ظرف چنین مظلوفی دارای قدمتی برابر حداقل سه نسل می باشد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲) و هر فرد شاهد زندگی نسل های گذشته خود در مکان زندگی می باشد و همانند پیوند خانوادگی از نظر زمانی نیز با گذشته پیوند می خورد و زمانمندی به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی در الگوی سکونت ایرانی قدمتی حداقل سه نسل دارد. الگوی سکونت ایرانی در مکانی پدید آمده است که با انواع تکنولوژی ها شرایط محیطی سخت را به شرایط مساعد زیستی بدل ساخته است و نیز براساس مطالبات ساختاری خانواده گسترده طیفی از فضا از خصوصی ترین به عمومی ترین فضا را در دسترس

در ایران و ساخت بادگیر در بناهای مسکونی ایرانی به وضوح تکنولوژی هایی هستند که ریشه در شرایط محیطی دارند و الگوی یکجانشینی ایرانیان را تکمیل و تثبیت می کند. هرچند نمی توان تکنولوژی را جبرا معلول محیط دانست چرا که با دست یابی به تکنولوژی، محیط نیز دستخوش تغییر می گردد، با تغییر محیط زیست جهان نیز دگرگون می شود و با تغییر زیست جهان و جهان بینی تغییر مجددی در تکنولوژی ایجاد می گردد. بوم شناسان فرهنگی چنین تاثیرگذاری و تاثیرپذیری را به عنوان علت دو طرف شرح می دهند. پدیدارشناسان نیز تثبیت سکونت انسان در مکان را در چنین ارتباطی و با عبارت «گردآوری چیزها» و «باشیدن» (bauen) تعبیر می کنند. زمین عرصه - ای است که زندگی روزانه انسان در آن رخ می دهد. می توان آن را تا اندازه ای با تکنولوژی شکل داد و به رابطه ای فرا عینی رسید. بدین طریق چشم انداز طبیعی تبدیل به چشم انداز فرهنگی می شود، یعنی محیطی که در آن انسان مکان خود را درون یک کلیت بدست آورده است (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

در الگوی سکونت ایرانی به ویژه مناطق در مرکزی و شرقی زیست جهان عینی به موجودیت های ساده و محدود تقلیل می یابد، این مناطق دارای زمین مسطح و یکنواخت با افقی در دور دست و آسمانی بلند و عموما بدون ابر با خورشیدی سوزان که حرکتش در آسمان و تغییر مسیر حرکتش در فصول مختلف از خاور به باختر کاملاً قابل درک است. زمین و آسمان در این منطقه شرایط دشواری را برای زندگی انسان ایجاد می کنند و نظم و ضرب آهنگ زندگی و شبانه روز به واسطه آسمان پر ستاره شب و پر نور روز ادراک می شود. می توان آسمان این منطقه را پویاتر از زمین آن دانست و بدیهی است که مردمان این سرزمین توجه ویژه ای به آسمان داشته باشند، توجه برای جهت یابی از روی خورشید و ستارگان مکان افراد را نیز وابسته به آسمان نموده است و ابعاد روحانی و شگفتی های غیر زمینی به واسطه چنین کاربرد آسمان که مکان افراد را تعیین می کند همواره در جهان بینی ایرانیان حضور داشته است هرچند این بدان معنا نیست که علت ظهور و گسترش ادیان الهی به ویژه اسلام در این سرزمین شرایط محیطی آن است بلکه ارتباط تعاملی یا علت دوطرفه را می توان برای آن ذکر نمود. ساکنان این سرزمین نیز با استفاده از ابزارهایی که محیط در اختیارشان گذاشته به کشف و بالفعل سازی توانش های بالقوه آن پرداخته اند و از آنجا که شرایط محیطی سخت،

ساکنان قرار می دهد و با توجه به زمانمندی آن، عناصر گوناگون علاوه بر کارکرد فیزیکی کارکرد ارجاعی نیز یافته اند؛ بدین ترتیب ورود عناصر محیطی و تکنولوژیکی به فرهنگ، تعلقات مکانی را به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی باعث می شود.



نمودار ۴. عوامل موثر بر الگوی سکونت در ایران؛ مأخذ: نگارندگان

برای به دست آوردن یک معماری منطبق بر سایت و یک ساختمان پاسخگو به اقلیم، باید متغیرهای طراحی مانند جهت گیری، ابعاد و هندسه فرم ساختمان و ویژگی حرارتی مصالح، در ساختمان در نظر گرفته شود. ساختمان سازی در اثرات جانبی شرایط دشوار طبیعت برای انسان ریشه دارد. خانه سنتی بومی، حاصل مبارزه و هماهنگی بین انسان و طبیعت است. فن آوری زیستی- اقلیمی، که با شرایط طبیعی محل سازگار شده، در خانه های سنتی در سراسر جهان استفاده شده است. حتی در منطقه ای با شرایط آب و هوایی شدید، فن آوری های موثر و پاسخگو به اقلیم را می توان در خانه سنتی یافت (Xu, Zhang and Xie 2006, 1). حیاط یکی از عناصر معماری سنتی است که همه فضاهای یک ساختمان پیرامون این فضای باز و مستطیلی قرار گرفته است. این ساختار فضایی، عملکرد محیطی و اجتماعی دارد و در حالیکه به عنوان یک منبع نور و گرما و هوای تازه عمل می کند، یک فضای خصوصی می سازد (Cho and Mohammadzadeh 2013, 2326). «حیاط» به عنوان یک عنصر سازماندهی فضایی خانه، خصوصی سازی یک فضای باز کاملاً تحت کنترل ساکنان خانه است؛ که تقسیم فضایی روشن از حوزه های عمومی و خصوصی فراهم می سازد. به عنوان یک عنصر کنترل

کننده اقلیمی، به عنوان یک تنظیم کننده اتلاف حرارت عمل می کند (Eyüce 2012, 22). با وجود این واقعیت که تمام ساختمان های سنتی در هماهنگی با طبیعت هستند و اگر چه فرهنگ های مختلف رویکردهای خود را در مقابله با تاثیر نیروهای طبیعی دارند، نمونه های متعددی از فرهنگ های مختلف در منطقه جغرافیایی مشابه سکونت داشته و به فرم ساخته شده خود به روش خود شکل داده اند. بنابراین خانه های حیاط دار به عنوان اجزای سکونت، در درجات مختلفی از تراکم و بسته به تفسیر فرهنگی از محیط زیست طبیعی ظاهر می شوند (Eyüce 2012, 22). در شناخت مفهوم خانه حیاطدار، تمایز میان فرم و شکل ممکن است مفید باشد. فرم اشاره به اساس سازماندهی فضا (و همچنین زمان، مفهوم و ارتباطات) دارد. در این راستا، اهمیت تغییر در شکل و یا مصالح کمتر از روابط میان حوزه ها است. به عنوان مثال بر اساس این تمایز، روستاهای گینه نو و نمونه های قابل مقایسه از آمازون برزیل، اهمیت نسبی شکل خانه و فضاهای مرکزی در مقابل فرم آن را نشان می دهد. این مثال نشان می دهد که حیاط می تواند مربع، مستطیل، گرد یا بی شکل باشد و حدود آن را می تواند به روش های مختلف تعریف شود (Rapoport 2007, 58).

جایگاه حیاط در الگوی سکونت ایرانی

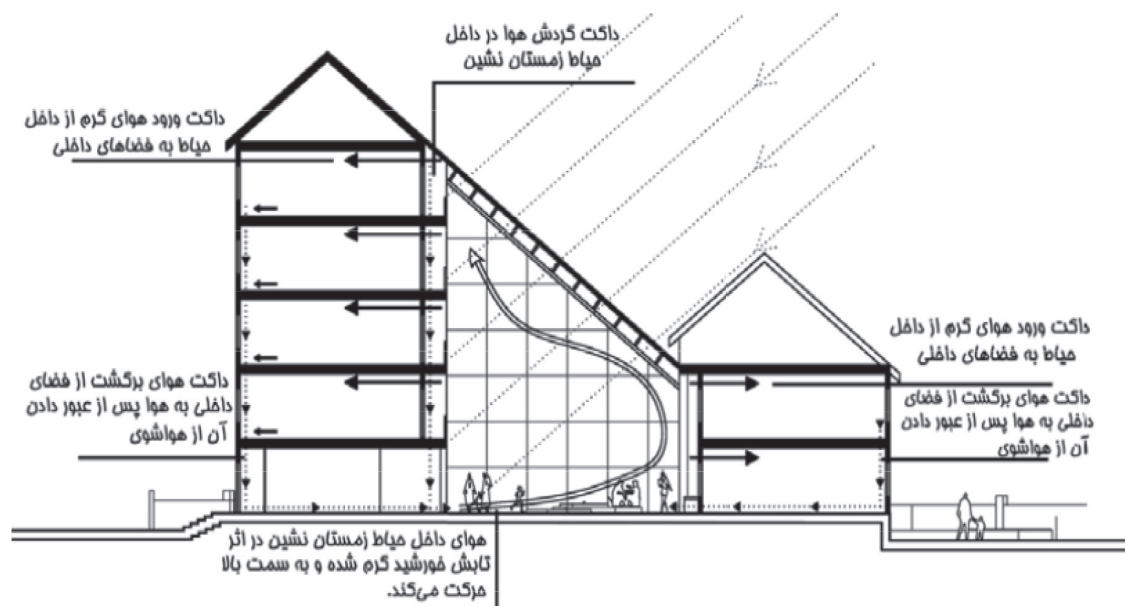
در قسمت های پیشین تاثیر عوامل محیطی شامل اقلیم، توپولوژی و مکان جغرافیایی در الگوی سکونت به سه صورت تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ذکر شد و در ادامه حیاط خانه ایرانی به عنوان نمونه فضای کالبدی برآمده از الگوی سکونت ایرانی معرفی خواهد شد. حیاط خانه ایرانی فضایی است که همزمان از کنش و تعامل متقابل تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ساکنان پدید آمده است و نشانگر سازگاری انسان با مجموع شرایط محیطی است. در شرایط محیطی قسمتهای عمده ای از فلات مرکزی ایران ابداع مکانی برای آسایش انسان تنها با ساختن فضایی محصور و جدا شده از اطراف امکان پذیر است که خرد اقلیمی در حد یک خانه را پدید می آورد. تبعیت این فضا از نظم برآمده از محدودیت در ابتدا ضرورت است سپس این موضوع در هماهنگی با اندیشه کیهانی و پیروی از هندسه و نظم برگرفته از آن قرار گرفته و بیان قدرتمندی می یابد. شرایط زیستی بوسیله تکنولوژی اقلیمی معماری و استحصال آب در یک حیات محصور که در بیشتر موارد پایین تر از سطح

روزمره، ویژگی‌های مشخص از معماری است که دوباره و دوباره در فرهنگ‌های مختلف و تحت تفاسیر متفاوت ظاهر می‌شود. در کهن الگوی خانه حیاطدار سنتی، حیاط همیشه در مرکز، هسته حیاتی خانه را تشکیل می‌دهد. معماری مدرن از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که همیشه شامل یک جزء برگرفته از کهن الگوی خانه حیاطدار سنتی است، به مفهوم حیاط نزدیک است (J. Ferrer Forés 2010, 841). در اقلیم گرم و خشک فلات مرکزی ایران که در معرض تابش و سیاه بادهای کویری قرار دارد بافت شهری به صورت متراکم ساخته می‌شود و حیاط مرکزی راهکاری مناسب جهت ایجاد فضایی محفوظ از سیاه باد می‌باشد. جهت‌گیری حیاط نیز به گونه‌ای تعیین می‌شود که با سایه اندازی جداره‌ها روی هم یا به واسطه انواع سایبان‌ها از شدت تابش تابستان کاسته شود و درختان در این سیستم نقش سایبان‌هایی را ایفا می‌کنند که در تابش مایل خورشید در صبح و بعد از ظهر بهتر از تابش‌بندها عمل می‌نمایند. جهت‌گیری فضاها در اطراف حیاط نیز به گونه‌ای بوده است که در کنج‌های حیاط فضا‌های خدماتی و در بدنه فضا‌های اصلی جانمایی می‌گردد (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

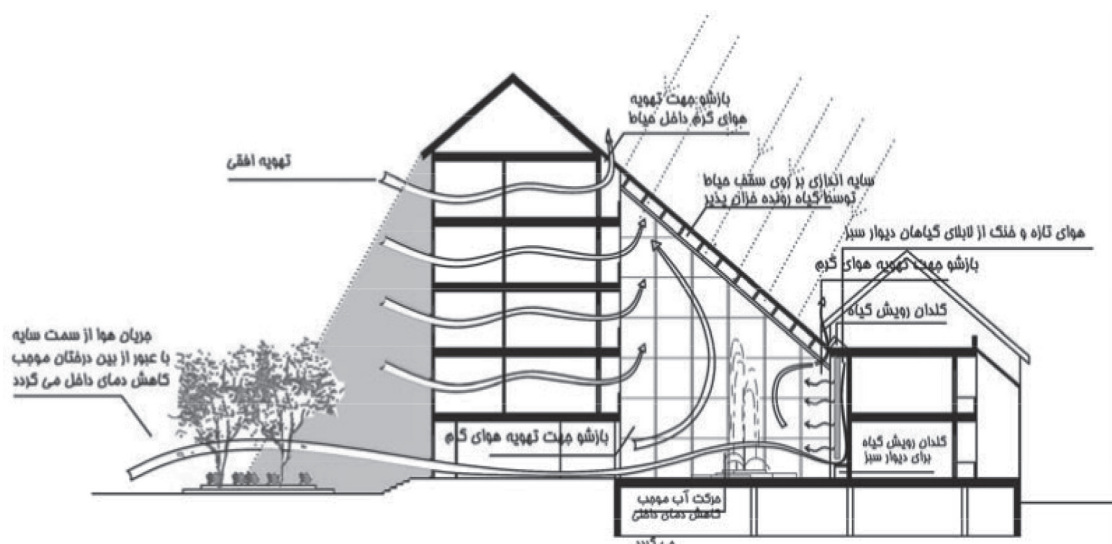
معابر واقع شده است ایجاد می‌گردد به طور همزمان شرایط نامساعد خارجی تصور فضای آرمانی را به عنوان هسته فرهنگ (بخشی از فرهنگ که متأثر از محیط است) به صورت مکانی سرسبز با حضور آب می‌نمایاند. همچنین نوع معیشت به صورت خانواده گسترده الزام بهره‌گیری تمام اهالی خانواده از این فضا را ایجاد می‌کند و فصل مشترک چنین گرایش‌ها همزمانی در حیاط خانه ایرانی متجلی می‌گردد. در ادارمه به تشریح چگونگی انطباق الگوی حیاط خانه ایرانی با عوامل برگرفته از محیط پرداخته خواهد شد.

۴- حیاط خانه ایرانی به مثابه تکنولوژی اقلیمی

استاندارد بالای زندگی منجر به اقلیمی شدن ساختمان‌ها شده است. سیستم‌های سرمایش و گرمایش بدون هرگونه سازگاری با ساختمان‌ها نصب می‌شوند که این وسایل جدید، منجر به مصرف انرژی بیش از حد و هزینه بالا می‌گردند و همچنین ممکن است به ساختمان آسیب برساند. ساختمان‌های اخیر بدون سیستم اقلیمی فعال، منجر به هزینه بالا و خطرات سلامتی خواهند شد (Rosenlund 2000, 4). «حیاط»، یکی از عناصر معماری بومی است که سابقه بسیار طولانی در فضای مسکونی بشر داشته است. تجربه حیاط به عنوان صحنه درونگرا از زندگی



تصویر ۲. کارکرد زمستانی حیاط زمستان نشین در اقلیم سرد و خشک؛ ماخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.



تصویر ۳. کارکرد زمستانی حیاط تابستان نشین در اقلیم سرد و خشک؛ ماخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵.

۵- حیاط به مثابه فضای امن خانوادگی

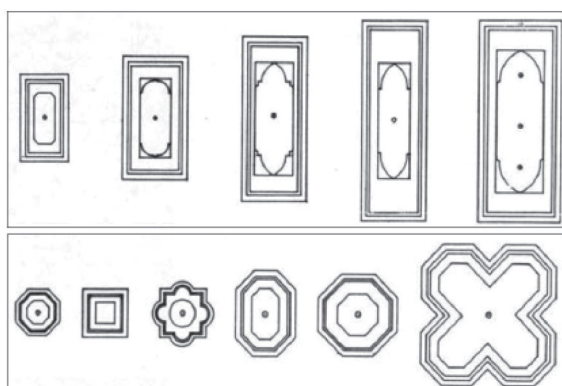
یکی از مهم ترین نقش‌های حیاط در سکونت به سبک ایرانی اهمیت کارکردی حیاط است. این فضا به عنوان فضای تجمع اعضای خانواده و انجام برخی فعالیت‌ها همچون بازی کودکان، استراحت و ورزش برای مردان و انجام برخی کارهای منزل توسط بانوان، به عنوان اتاق فراخ بدون سقف عمل می‌کند (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹). حیاط فضای امنی برای تمام اعضای خانواده گسترده ایجاد می‌کند. همانگونه که در الگوی سکونت ذکر شد ایرانیان به واسطه مکان جغرافیایی سرزمینشان، در دوران زمانی متعددی با ناامنی مواجه بودند و تاثیر این موضوع بر الگوی سکونت را می‌توان در کاهش روزنه‌ها به معابر عمومی و درونگرایی خانه‌های ایرانی مشاهده نمود. علاوه بر این ضرورت همبستگی در چنین شرایطی ایجاد خانواده‌های گسترده می‌باشد که به طور سنتی توسط بزرگ خاندان مدیریت می‌شود. حیاط نیز به عنوان بخش جمعی خانواده دسترسی آسانی برای تمام افراد ایجاد می‌کند و به عنوان قلب بنا و مایه حیات و تغذیه تمام قسمت

به چهار دلیل سطح حیاط را پایین‌تر از سطح معابر می‌ساختند که عبارتند از: ۱- ایجاد حرکت آبهای روان سطحی به داخل حیاط و ذخیره آن در آب انبار و نیز آبیاری باغچه‌ها ۲- استفاده از خاک گودبرداری شده به عنوان ماده اولیه خشت‌های ساختمان در صورت مناسب بودن خاک ۳- کاهش تبادل حرارتی داخل به خارج و استفاده از تعادل حرارتی داخل زمین ۴- انتقال نیروی رانشی جداره‌ها به تکیه گاه عمودی جداره‌های گود برداری شده (قبادیان ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). حیاط خانه ایرانی با ایجاد شرایط زیستی مناسب می‌تواند محل پرورش انواع درختان مثمر باشد و با تامین میوه‌های فصلی برای ساکنان مفید باشد. برای نمونه نام‌گذاری برخی حیاط‌ها در خانه‌های ایرانی با توجه به محصول درختان آن می‌باشد. همچون نارنجستان که محل پرورش مرکبات می‌باشد (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). به طور خلاصه حیاط را می‌توان به عنوان ابزاری کا با ایجاد خرد اقلیم مطلوب آسایش فیزیکی را در فضای مسکونی سنتی ایرانیان فراهم می‌آورد و ارتباط با طبیعت سبز و آب را ممکن می‌سازد، قلمداد نمود.

اتاق‌ها به ایوان‌ها و سپس به حیاط تدریجی از فضای بسته به بازیه واسطه درب پنجره‌های تمام قد حاصل شده و در ضرورت می‌توان با گشودن آن‌ها از مجموعه به صورت یک پارچه استفاده نمود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۶۹). مرکزیت و محصوریت حیاط علاوه بر آنچه ضرورت‌های تکنولوژیکی آن اقتضا می‌کند اهمیت کارکردی در ایجاد دسترسی مناسب و نیز امنیت را نشان می‌دهد و در مواردی که جداره حیاط به خانه مجاور و یا معبر منتهی می‌گردد با وجود عدم روزنه و درب در دیوار یاد شده ارتفاع آن هماهنگ با دیگر دیوارهای بنا حفظ می‌شود و خللی در ایجاد محصوریت و مرکزیت احساس نمی‌شود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲).

های خصوصی و نیمه خصوصی وظیفه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده را ایفا می‌کند. هرچند حیاط خلوت‌ها نیز در خانه‌های سنتی فضای باز خصوصی را برای افراد تدارک می‌بیند، در جای خود اهمیت ویژه‌ای دارند که در محدوده این پژوهش نمی‌گنجد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

اینکه ورودی خانه به طور مستقیم در حیاط باز نمی‌شود و از طریق دالان‌هایی به آن دسترسی می‌یابد علاوه بر اینکه حیاط را به عنوان مامن خانوادگی معرفی می‌کند به آن هویت مستقل و مشخصی می‌بخشد که بر خلاف وضعیت خانه‌های معاصر تنها محل عبور نیست بلکه محل سکون و دیدار است. همچنین تداوم فضایی



تصویر ۴. حیاط در خانه‌های سنتی و حوض آب در آن؛ ماخذ: ریسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.



تصویر ۵. حیاط در مسکن و نقش فرهنگی در ارتباطات خویشاوندی؛ ماخذ: ریسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.

۶- حیاط به مثابه فضای آرمانی

همانگونه که در قسمت های قبلی به آن اشاره شد، محیط و جهان بینی در نظر بوم‌شناسان فرهنگی در تعاملی دوطرفه هستند و جهان بینی مردمان فلات مرکزی ایران نیز از آنجا که زمین این سرزمین گستره ای یکنواخت و بدون عنصر جلب توجه‌کننده است و در مقابل آسمانی بلند و روشن در روز و پر ستاره و اسرار آمیز در شب دارد؛ آنچه در زمین می سازند به تبعیت از نظم و وحدت کیهانی و آن جهانی می باشد. نمی توان نقش موقعیت مکانی سرزمین ایران را نیز در جهان بینی مردمان آن انکار نمود. برای نمونه توصیه به رعایت حریم ها در جامعه و ایجاد سلسله مراتب دسترسی ها نمونه کالبدی چنین تاثیری می باشد؛ بدین ترتیب حیاط حریم خانواده است که در طول دوران و به ویژه پس از اسلام به عنوان اصل معماری رعایت شده است و حریم های شخصی افراد در سلسله مراتب تدریجی از حیاط متظاهر می شود. در بسیاری از نمونه ها نیز چندین حیاط حریم های متفاوتی برای ساکنین خانه ایجاد می کند و ضرورت رعایت حریم در جهان بینی اسلامی است که حیاط برونی و حیاط اندرونی به عنوان اندام های اصلی کالبدی معماری خانه مطرح می سازد. این موضوع به عنوان اصل درونگرایی در معماری ایران مطرح شده و سبب می شود فضاهای باز در میان فضا های بسته بنشینند و فضای بسته آن را همچون حصاری دور بزند (نوایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). این اصل همچنین سبب می شود جداره بیرونی خانه کمتر روزنه ای بجز ورودی به معبر داشته باشد. در منابع ادبی نیز از حیاط به عنوان «میان سرای» یاد شده است که مرکزیت و درونگرایی را تلویحا اشاره دارد (سلطانزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۴). عدم وجود شرایط مناسب بیرونی اهمیت باطن و درون و کشفیات شهودی در خیالی باشکوه و در تقابل با عینیت های مادی در اندیشه اسلامی و عرفانی دوچندان نموده است و می توان بی تزئینی و سادگی نمادهای بیرونی ساختمان ها و شکوه و زیبایی جداره های داخلی به ویژه جداره های حیاط مرکزی از دیوارهای عمودی، کفسازی، حوض، باغچه و گلستان را محصول چنین اندیشه ای دانست. تزئیناتی که در خدمت فضای سه بعدی است و نه پوسته دوبعدی و به جای آن که در برابر انسان بایستند و قد علم کند، او را احاطه کرده و

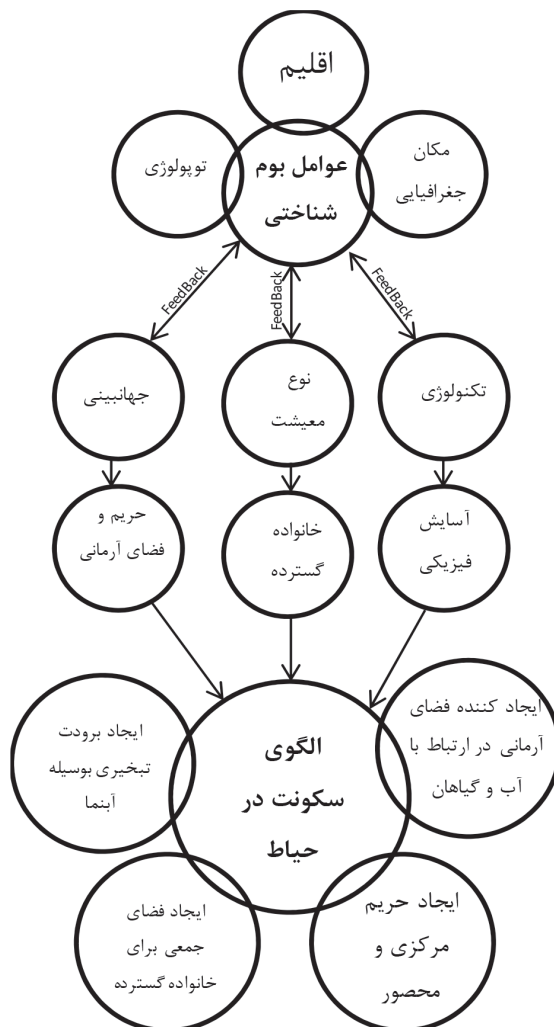
در بر می گیرد. می توان به خیال معمار که متأثر از جهان بینی خاص این سرزمین است و به اصل، کنه و درون، در پس پرده و حجاب، زیبایی در سیرت و نه در صورت، معنی و مغز، مروارید و نه صدف اعتبار می بخشد، اشاره نمود که در ایجاد چنین فضاهایی نقش اساسی ایفا می کنند (نوایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

یکی از موارد مهم در جهان بینی که نمی توان آن را بی ربط به محیط دانست اهمیت آب در حیاط خانه ایرانی است. در جهان بینی اسلامی آب مایه حیات و پاک کننده نا پاکی هاست و وجود حوض در حیاط علاوه بر بهره های اقلیمی برای ایجاد طراوت و سرزندگی اهالی، آبیاری گیاهان و مصرف خانگی به کار می رود و در این سطح از تاثیرات محیطی به واسطه جهان بینی اهمیت آب به واسطه ارزش نمادین آن است. وجود گیاه و درخت علاوه بر آن چه که ذکر شد معرف تاثیرات جهان بینی می باشد. ارتباط با طبیعت به ویژه آب و گیاه در ایجاد فضایی آرمانی همچون باغ بهشت اهمیت می یابد. در شرایط سرزمینی فلات مرکزی ایران گوشه ای از طعم بهشت که در زیر درختان آن نهرها جاری و فضای آرمانی آنان را می سازد در حیاط خانه تدارک دیده می شود فضایی که از باورهای معماری و به تاثیر از شرایط سخت محیطی نشأت گرفته و در حیاط خانه ایرانی نمود کالبدی یافته است. باورهایی که عناصر طبیعی همچون آب و درخت را نشانه هایی از خداوند دانسته و شناخت آن را نشانه ایی از شناخت خداوند بیان می کند (امین زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۳)؛ بدین ترتیب همبستگی مکان جغرافیایی، اقلیم و توپولوژی که عوامل محیطی را تشکیل می دهند با جهان بینی در حیاط خانه (به عنوان نمونه مورد پژوهش) ایرانی نمود کالبدی می یابد. مطابق با آنچه گفته شد در بوم شناسی فرهنگی در یک نگاه کل نگر ویژگی های محیطی و فرهنگی در بسیاری سطوح (هسته فرهنگی) مرتبط با هم هستند و نمی توان پدیده های حاصل از آن ها همچون الگوی سکونت را تنها متعلق به یکی از آن ها دانست و در مورد پژوهش این تحقیق که همانا حیاط خانه ایرانی می باشد عوامل بوم شناختی با تأثیر و تأثر از ویژگی فرهنگی یعنی تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی الگوی سکونت در فضای باز را تشکیل می دهند. در نمودار ۵ می توان نحوه ارتباط موارد یاد شده رابه اختصار مرور کرد.

۷- نتیجه گیری و جمع بندی

بوم شناسی فرهنگی، علمی کل نگر است که مجموع شرایط محیطی و فرهنگی را مرتبط با هم و دقیق مورد پژوهش قرار می دهد. این علم بین علوم تجربی و علوم انسانی پل می زند و نگاه تخصصی و یکسو نگر معرفت شناسی اثبات گرایی را به چالش می کشد. این علم از آنجا که یک دست در شناخت عوامل بومی و محیطی و دست دیگری در شناخت عوامل فرهنگی دارد می تواند در ایجاد معرفتی کل گرا در زمینه های طراحی محیط بویژه معماری، راه گشا باشد. البته شناخت گرایشات این علم و روشهای پژوهش در آن مهمترین وظیفه علاقمندان به آن می باشد همچنین این زمینه علمی به همراه بوم شناسی سیاسی و بوم شناسی جدید که ریشه در بوم شناسی فرهنگی دارند در مطالعات معماری شناخته شده نیستند. پژوهش حاضر در تلاش برای آغاز این شناخت سعی در استفاده از مدل های بوم شناسی فرهنگی در بازخوانی ویژگی های حیاط خانه های سنتی ایرانی داشت و از آنجا که این زمینه علمی در محافل معماری کمتر بکار گرفته شده است، خالی از اشکال نیست. در این پژوهش با مطالعه عوامل بوم شناختی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی و همبستگی آن با عوامل فرهنگی نظیر تکنولوژی، نوع معیشت و جهانبینی بررسی و تلاش شد، الگوی سکونت مردمان این سرزمین از این طریق شناسایی شود؛ سپس حیاط مرکزی در خانه سنتی ایرانی بعنوان فضای کالبدی محصول و برآیند تمام عوامل یادشده بازخوانی و معرفی گشت. بوم شناسی فرهنگی در ساخت محیط پایدار انسانی بدلیل نگاه کل نگر خود می تواند مورد توجه قرار گیرد، این بستر پژوهشی در سطحی بین المللی از گرایشات مورد توجه بوده و در معماری پایدار بدنبال تعریف اخلاق محیطی در ساخت بنا و چشم انداز می باشد. اخلاق محیطی مجموع اکوسیستم شامل انسان، محیط، فرهنگ و تکنولوژی را همزمان مورد پژوهش قرار می دهد و تعامل چند خطی را جایگزین رویکردهای تک خطی نموده است و می تواند موضوع پژوهش های آینده قرار گیرد. یادآوری این نکته ضروری است که بوم شناسی فرهنگی علمی است که در پارادایم های پس اثبات گرایی شکل گرفته است و این پارادایم ها

نیز در نقد اثبات گرایی از محدوده ماده گرایی خارج نشده اند و با بیان دیگری می توان از آن به عنوان ماده گرایی فرهنگی نیز یاد نمود؛ بدین ترتیب یکی از زمینه های پژوهشی مفید، بررسی انطباق و یا عدم انطباق آن با معرفت شناسی اسلامی، نقد و اصلاح آن است. هرچند که متفکران آن از فرهنگ تنهای بخشی از آن که مرتبط با محیط است (هسته فرهنگ) را در نظر می گیرند و خود نیز به این موضوع اذعان دارند و بخشهای دیگر فرهنگ که در ساخت محیط مؤثرند را نمی توانند توجیه کنند و با موضوع ارتباط دهند و فعلا سکوت می کنند.



نمودار ۵. عوامل بوم شناختی در تعامل با عوامل فرهنگی در الگوی سکونت در حیاط؛ مأخذ: نگارندگان

۸- منابع و مآخذ

۱. آلیاگونولولو. آدریانو (۱۳۸۴) نوشیدن از چاه خویش: معرفی مسائل معماری بومی، معنا و چشم اندازهای کنونی آن، در معماری بومی، ترجمه: علیمحمد سادات افسری، تهران: نشر فضا.
۲. امین زاده، ب. (۱۳۷۹). حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین. صغه، ۳۱، ۴۳-۵۲.
۳. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر: الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) باززنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان، مدیریت شهری، شماره ۲۶.
۵. حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۶. دادخواه. مهیار (۱۳۸۴) گذری در گستره معماری بومی، در معماری بومی، آلیاگونولولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۷. ریسی دهکردی، افشین (۱۳۹۶) بررسی جایگاه حیات در معماری اقلیمی بناهای مسکونی شهری، مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۸. سلطان زاده، ح. (۱۳۹۰). نقش جغرافیا در شکل گیری انواع حیاط در خانه های سنتی ایران. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۵، ۶۹-۸۶.
۹. شکویی، ح. (۱۳۷۲). جغرافیا و مذهب. تحقیقات جغرافیایی، ۳۰، ۵-۲۳.
۱۰. صادقی پی. ناهید (۱۳۹۱) تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران، شهر و معماری بومی شماره ۲.
۱۱. صریفان پور، م. (۱۳۹۱)، اردیبهشت ۲۱. مرتبت تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده. معماری و شهرسازی اسلامی، ص. ۲۷۷-۳۰۰.
۱۲. عزیزی، ش.، دلپذیر، ع.، و مقدم، پ. (۱۳۹۱). انسان شناسی فرهنگی وسیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری. هویت شهر، ۱۲، ۶۱-۷۰.
۱۳. فکوهی، ن. (۱۳۶۵). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. تهران: نی.
۱۴. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸۴) معماری بومی در ایران، در معماری بومی، آلیاگونولولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۱۵. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸۴) معماری بومی، فضایی ناشناخته، در معماری بومی، آلیاگونولولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۱۶. قبادیان، و. (۱۳۸۵). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. ماتلاک، جان. ل (۱۳۷۹) آشنایی با طراحی محیط و منظر جلد ۱ و ۲، ترجمه و انتشار معاونت آموزش و پرورش سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران
۱۸. مارکت، ک. (۱۳۸۳). بوم شناسی فرهنگی. هنر، ۵۹، ۱۹۰-۱۹۸.
۱۹. معاریان. غلامحسین (۱۳۷۵) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه شناسی درونگرا، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
۲۰. معاریان. غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.
۲۱. مک هارگ، ایان (۱۳۸۶) طراحی با طبیعت، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.
۲۲. نوایی، ک.، و حاجی قاسمی، ک. (۱۳۹۰). خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
۲۳. نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۸). روح مکان؛ به سوی پدیدار شناسی معماری. (م. شیرازی، مترجم) تهران: رخ داد نو.
۲۴. هاشمی، فاطمه و حیدری، بررسی کارکرد اقلیمی حیاط زمستان نشین در مناطق سردسیر، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۶، ۱۳۹۰.
۲۵. هاویلند، و. (۱۳۸۲). انسان شناسی فرهنگی. (م. گودرزی، مترجم) رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲، ۲۲-۳۱.
۲۶. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۷) «جایگاه اکولوژی و محیط زیست در توسعه پایدار مناطق شهری»، در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۵) «اصلاحات ساختار

- Survey (29) pp.207231-. Cambridge University Press, Cambridge.
37. 37. Hardesty, D. L. (1977). *Ecological Anthropology*. New York: Jhon wiley Sons.
 38. 38. Ingold, T. (1993). The Temporality of the Landscape. *World Archaeology*, 25, 152174-.
 39. 39. J. Ferrer Forés. Jaime, Courtyard housing: Environmental Approach in Architectural Education, International Conference on Technology & Sustainability in the Built Environment ,Riyadh, Saudi Arabia, 3- 6 January 2010.
 40. 40. joralemon, d. (2010). *exploring medical anthropology upper saddle river*. New Jersey: prentice hall.
 41. Rapoport. Amos, The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis, *Traditional Dwelling and Settlements Review Journal (TDSR)*, VOL. 18 , No.2, 2007.
 42. steward, j. H. (1972). *Theory of culture change: The Methodology of Multilinear Evolution*. Urbana: university of Illyrians press.
 43. Sutton, M. Q., & Anderson, E. N. (2010). *Introduction to cultural ecology*. Maryland: AltaMira.
 44. Xu. Feng, Zhang. Guoqiang and Xie. Mingjing, *Ecological Technologies of a Chinese Traditional Folk House in Hot-Summer and Cold-Winter Zone*, Proceedings of the Sixth International Conference for Enhanced Building Operations, Shenzhen, China, November 6 - 9, 2006.
 45. Zarin, H. L. (2010). *Making Place And Identity In The Interests: (Land Of The Middle)*, PARÁ,razilL. Doctoral Dissertation Florida: University Of Florida.
 46. Zhai, Zhiqiang (John) & Previtali, Jonathan .M (2010), *Ancient vernacular architecture: characteristics categorization and energy performance evaluation*, *Energy and Buildings*, 42 (2010).
 - اکولوژیک: راهبرد موثر حل محیط زیست ناسالم شهرهای بزرگ»، مجموعه مقالات دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، انتشارات دانشگاه تهران.
 28. Batista, D., & Matos, R. S. (2013, June 10 - 14). *Ecology and ethics: landscape architecture and sustainability*. Scientific Conference, pp. 334338-.
 29. Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice*. (R. Nice, Trans.) Cambridge: Cambridge University Press.
 30. Bridson. Danny, *Courtyard Housing Study: Djingis Khan and The Kingo Houses, Sustainable Urban Design*, Lund University, March 29th 2012.
 31. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, *Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings*, Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
 32. 32. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, *Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings*, Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
 33. 33. Eisenstein, W. A., 2002, *Ecological Design and Culture: Toward a Research Agenda*. In: M. Elen Deming, (ed.), *Annual Meeting of the Council of Educators in Landscape Architecture*, New York.
 34. 34. Eisenstein, W. A., 2005, *Eco-Revelatory Design and the Values of the Residential Landscape*, Unpublished thesis for the degree of PHD in Landscape Architecture and Environmental Planning, the University of California, Berkeley.
 35. 35. Eyüce. Ahmet, *Interdependence of Traditional House Form and Settlement Pattern, Intercultural Understanding*, volume 2, 2012.
 36. 36. Forman, R.T.T. – Alexander, L.E. 1998. *Roads and their major ecological effects*. *Annual Review Ecological*